



بررسی ابعاد حقوقی تعیین مهریه های نامتعارف توافقی در عقد نکاح دائم

پدیدآورنده (ها) : اماره، کریم

میان رشته ای :: همایش کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق :: مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق (بین المللی)

صفحات : از ۷۳۶ تا ۷۴۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1802320>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۴/۰۹/۰۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تبیین عقلانی و عقلایی امر به معروف و نهی از منکر
- بررسی دلایل عقلی امر به معروف و نهی از منکر
- بررسی ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر
- مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر

عناوین مشابه

- بررسی وضعیت حقوقی شرط تعیین مسکن برای زن در عقد نکاح دائم
- بررسی ماهیت حقوقی مهریه، نوع رابطه آن با نکاح دائم در نظام حقوق خانواده اسلامی
- وضعیت حقوقی مهریه های سنگین در نکاح دائم
- وضعیت حقوقی مهریه های سنگین در نکاح دائم
- بررسی ابعاد نظریه نظارت بر قوانین در نظام های حقوقی معاصر
- بررسی و تحلیل حقوقی حمایت شرع و قانون گذار از زنان در نکاح، مهریه، نفقه و طلاق
- بررسی تطبیقی شرط تبانی در عقد نکاح از منظر فقه فریقین و آثار حقوقی آن در نظام خانواده
- بررسی مولفه های حقوقی دموکراسی در ایران و قابلیت اجرایی شدن آن (ابعاد و رویکردها)
- بررسی ابعاد حقوقی درج شرط تعیین دادگاه در قراردادهای بین المللی در نظام حقوقی ایران
- بررسی ابعاد حقوقی در مراجعات مردمی به شهرداری ها و پاسخگویی حقوق شهرداری ها به درخواست های حقوق مطرح شده در کمیسیون ماده ۱۰۱

بررسی ابعاد حقوقی تعیین مهریه های نامتعارف توافقی در عقد نکاح دائم

کریم اماره

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

تعیین مهریه برای زن در ازدواج امری تأییدی در اسلام بوده و آن را حق مسلم زن می‌داند. با اینکه اسلام پرداخت مهریه کم را نکوهش کرده است اما امروزه با تغییر اوضاع اجتماعی در جامعه مقدار آن زیاد شده است. از منظر قرآن کریم، مهر به عنوان ابزاری جهت ابراز محبت، عشق و علاقه‌ی وافر زوج به زوجیه خویش است. با این وجود، مطابق بررسی‌های به عمل آمده تعیین مهرهای نامتعارف در جامعه‌ی کنونی معلول علل مختلفی از جمله احساس تفاخر، ضعف اعتماد عمومی و با هدف ایجاد محدودیت در حق طلاق مردان است. بنابراین در این مقاله به بررسی ابعاد حقوقی تعیین مهریه های نامتعارف توافقی در عقد نکاح دائم پرداخته شده است. حقوق ایران برای مهر میزان مشخصی تعیین نشده است، اما تعیین سقف برای مهر و اجبار زوجین به توافق در مبلغ خاصی در صورتی که مصلحت ایجاد نماید، قابل دفاع است، اما ممکن است برخی افراد حتی توانایی پرداخت آن مقدار را نیز نداشته باشند. از این رو، بدون تعیین سقف برای مهر نیز، می‌توان مقرر نمود جهت ثبت مهرهایی که به‌طور متعارف از توان پرداخت افراد خارج است، تضمین کافی از زوج برای تأدیه‌ی مهر گرفته شود، در غیر این صورت از ثبت آن خودداری شود. اگر مهر به میزانی تعیین شود که نشان از عدم وجود قصد جدی زوج در پرداخت آن داشته باشد، چنین مهری باطل است، در غیر این صورت، با تصویب ماده‌ی ۷ ق.ن.ا.م.م، باید ماده‌ی ۲۲ قانون حمایت خانواده را با عنایت به ماده‌ی ۷ ق.ن.ا.م.م تفسیر نمود.

کلمات کلیدی: مهریه های نامتعارف، اموال، توانایی، عندالمطالبه، زوجین، عقد



مقدمه

به موجب عقد نکاح، حقوق و وظایفی بین زن و شوهر ایجاد میشود که هر یک ملزم به رعایت آن حقوق و انجام تکالیف مخصوص به خود میباشد. از حقوقی که بواسطه ی ازدواج برای زن ایجاد می شود مهریه است. مهریه حق زن میباشد که به تبع عقد ازدواج مرد ملزم به پرداخت آن به همسرش می باشد و در دین اسلام نیز نسبت به پرداخت آن سفارشهای زیادی شده و آیات و روایات فراوانی آمده که مرد باید آن را پرداخت کند. از طرفی امروزه مهریه از جایگاه اصلی خود فاصله گرفته است و به یکی از مسائل اختلاف بر انگیز و گاه لاینحل در عقد نکاح تبدیل شده است، که گاهی عدم توافق بر مهر سبب میشود که عقد ازدواج صورت نگیرد. گاهی نیز زوج ناچاره مهریه ی نامتعارف را قبول میکند، در حالی که توان پرداخت آن را ندارد. انگیزه های متفاوتی میتواند در تعیین مهریه های نامتعارف دخیل باشد. چشم هم چشمی یا عدم آگاهی مردم از جایگاه مهریه مثل اینکه بعضی مهریه را نشان دهنده ی ارزش و جایگاه زن میدانند و هر کسی که مهریه اش زیاد باشد جایگاه والاتری دارد و یا اینکه زوج به هوای اینکه مهریه را کی داده کی گرفته پذیرای مهریه نامتعارف و نامعقول میشود. حال به هر دلیل که مهریه ی نامتعارف خارج از توان تعیین شود، قانون مرد را ملزم به پرداخت آن میکند. و چون مرد توان پرداخت چنین مهریه ای را ندارد بویژه اگر عندالمطالبه باشد، راهی زندان شده و زن نیز به حق قانونی و شرعی خود نمی رسد و این موضوع مشکلات زیادی را در جامعه بوجود آورده است.

علاوه بر تعیین مهریه های سنگین و غیر عقلایی در برخی موارد مهریه های غیر متعارفی نیز به جهت عدم آگاهی بسیاری از زوج ها تعیین می شود مانند ۲ هزار بال مگس، ۱۰ کیلو طلا، کلیه سمت راست و که غیر معقول و نامتعارف بودن آن در پرداخت و نیز عدم مطالبه آن و نیز خارج بودن آن از نظام حقوقی می تواند مشکلاتی را برای خانواده ها بوجود آورد. هم اکنون گرانی مهریه به یکی از موانع موجود در راه ازدواج جوانان تبدیل شده بی تردید، آموزش و پرورش صحیح دختران و خانواده ها و تنویر افکار مردم و معتقد ساختن آنان به اینکه ازدواج یک معامله اقتصادی نیست و حیثیت و آبرو و خوشبختی دختر و گرمی کانون خانواده به زیادی مهر بستگی ندارد، بیش از اصلاح قانون می تواند مؤثر باشد، هر چند تلاش می شود در قانون گذاری های جدید نوعی حد نهایی برای مهر در نظر گرفته شود. به هر حال، آنچه مد نظر ما در این تحقیق است، تأثیراتی است که گزاف و غیر عقلایی و غیر متعارف بودن مهر بر وضعیت عقد و مهر و استحکام زناشویی می گذارد. در حقیقت سؤال آن است که آیا می توان چنین مهری را به دلیل فقدان قدرت بر تسلیم باطل انگاشت؟ و بر فرض آن را صحیح بدانیم، آیا زن می تواند در چنین وضعیتی از حق حبس استفاده کند و مادام که تمامی مهر به وی پرداخت نشده است از انجام وظایف زناشویی امتناع ورزد؟

بررسی امکان وجوب مهریه های نامتعارف در حقوق

همان طور که گفته شد، امروزه به دلایل مذکور، میزان مهریه بیش از آن است که توان مالی زوج امکان پرداخت هرچند بلندمدت را به وی بدهد.

سؤال مطرح این است که آیا می توان چنین مهریه هایی را صحیح تلقی کرد؟ به عبارت دیگر مهریه های پانصد سکه و هزار سکه و بیشتر که با توجه به وضعیت مالی مردان تازه ازدواج کرده واقعاً پرداختنی نیست، آیا می توان گفت این مهریه ها به دلیل مقدورالتسلیم نبودن باطل اند؟

برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا مقدورالتسلیم بودن را تعریف و سپس اثر مقدورالتسلیم نبودن موضوع معامله در عقد را بررسی کرد. اما قبل از آن باید یادآور شد عقد نکاح دائم به دو عقد تجزیه پذیر است یکی توافق در مورد خود عقد نکاح که توافقی غیر مالی است و دوم توافق در خصوص مهریه که توافقی مالی بوده و قواعد عمومی قراردادهای مالی در خصوص آن لازم الرعایه



است. لذا باید شرایط موضوع معامله از جمله مالیت داشتن، قابلیت تسلیم و ... در مهریه رعایت گردد زیرا رعایت نکردن آنها اثری مثل رعایت نکردن آنها در عقد بیع دارد.

۱- عقد نکاح عقدی است مالی

اگر عقد نکاح را عقدی مالی بدانیم هنگامی که مهریهایی نامتعارف و نامتعارف در ذیل عقد ذکر میشود که طرفین یقین بر عدم قدرت پرداخت دارند، در نتیجه میتوان عقد را عقدی باطل اعلام کرد. با توجه به این امر باید از امکان قرار دادن طرفین به تدوین این عقد مبتنی بر مهریه های نامتعارف به عنوان امری برخلاف اخلاق حسنه و نامتناسب جلوگیری نمود و دست افراد را محدود نمود و از سوی دیگر از تحقق عقود برخلاف قانون خودداری نمود. (شهیدی، ۱۳۸۵)

۲- عقد نکاح عقدی است غیر مالی

با این پیش نیاز که پذیرفتیم عقد نکاح، عقدی مالی نیست و مبتنی بر امور معنوی و غیرمالی میباشد. در نتیجه وجود مهریه در ذیل عقد را به عنوان یکی از شروط تصریح شده در عقد بدانیم که باید مشروط علیه (کسی که شرط به ضرر او گذارده شده است) بدان عمل کند. با این توصیف این شرط باید شرایط لازم در ماده ۲۳۲ قانون مدنی که بیان میدارد "شرط باید به گونه‌ای باشد که شخص قدرت و توانایی انجام آن را داشته باشد، و فایده‌هایی عقلانی داشته و نامشروع نباشد" را داشته باشد. در نتیجه اگر ذکر شرطی که مشروط له توانایی عمل آن را نداشته باشد می تواند به عنوان مصادیق شرط باطل ذکر گردد. به موجب عقد، زوجه مالک مهریه میشود و میتواند درخواست مهریه را به طور کامل نماید، در نتیجه با توجه به شرایط زوج که قدرت و توانایی بر پرداخت مهریه را ندارد بموجب ماده ۲۳۲ این شرط باطل است و هیچ الزامی بر اجرای آن نیست و نمیتوان مرد را ملزم به اجرای این شرط نمود. در نتیجه مهرالمثل جایگزین این مهر نامتعارف میشود یعنی مهریهایی که متناسب با شخصیت زن است.

لذا میتوان نتیجه گرفت که عقد محقق شده توسط طرفین عقد صحیح است. ولی شرط باطل، و قابلیت اجرا ندارد، و بدین گونه از انعقاد مهریهایی نامتعارف خودداری میشود. با توجه به مجموعه مطالبی که بیان شد برای این امر که ما مهریه نامتعارف را نشانهایی از عدم وجود قصد و اراده طرفین و عدم قدرت بر تسلیم آن بدانیم و یا این که به عنوان شرطی نامقدور بدانیم، باید در عرصه عمل به گونه اقدام نماییم که بتوان از وجود این مهریه و تحقق شرایط نامناسب خودداری نماییم و این امر با تعیین حدودی برای مهریه که بهترین ملاک عرف و شرایطی خاص طرفین است، حاصل میشود.

۳- مقدورالتسلیم بودن موضوع معامله

مقدور نبودن تسلیم مورد معامله ممکن است به دلیل ذات مالی باشد که مورد معامله قرار گرفته است، یعنی مال مورد معامله، عرفاً امکان تسلیم ندارد و عدم تسلیم آن به توانائی داشتن و نداشتن متعهد بر نمی گردد. به عبارت دیگر چه متعهد چه شخص دیگری نمی تواند آن را تسلیم کند، مثلاً، اگر شخصی پرنده‌ی در هوا یا ماهی در دریا را به دیگری بفروشد، یا مهریه قرار دهد این مال نوعاً تسلیم کردنی نیست و عدم امکان تسلیم به فروشنده یا زوج بر نمی گردد.

این عدم امکان تسلیم ناشی از طبیعت موضوع معامله است، اما گاهی اوقات موضوع معامله نوعاً و ذاتاً تسلیم کردنی است ولی متعهد امکان تسلیم آن را ندارد، مثل تعیین ۱۰۰۰ سکه‌ی بهار آزادی به عنوان مهریه که بر ذمه‌ی زوج قرار گرفته است. تهیه و تسلیم این مقدار مهریه ذاتاً غیر مقدور نیست و به وضعیت مالی زوج مربوط است و اگر شخصی توانائی مالی داشته باشد، امکان تسلیم آن وجود دارد ولی برای یک فرد عادی امکان پذیر نیست. در این مثال مورد معامله ذاتاً مقدورالتسلیم است و عدم

امکان تسلیم به طبیعت موضوع معامله بر نمی‌گردد بلکه به متعهد مربوط است و ناتوانی متعهد باعث غیر مقدورالتسلیم بودن مورد معامله شده است.

"از دیگر شرایط مورد معامله که در حقیقت از شرایط ثانوی قرار داد محسوب میشود، مقدورالتسلیم بودن آن است. منظور از این شرط این است که انتقال دهنده مال یا حق یا تعهد، توانایی تسلیم مورد قرارداد به منتقل الیه یا متعهدله را داشته باشد، وگرنه معامله مربوط به آن مورد باطل است" (سرخسی، ۱۹۷۸)

اکنون باید دید مقدورالتسلیم بودن به موضوع معامله بر می‌گردد یا به توانائی متعهد؟ پاسخ به این سؤال از این جهت اهمیت دارد که اگر غیر مقدورالتسلیم بودن مورد معامله را ناشی از خود موضوع بدانیم، مهریه‌های تعیین شده را به علت اینکه ذاتاً قابل تسلیم است باید صحیح تلقی کرد، اما اگر این امر به متعهد برگردد، نمی‌توان به صحت توافق‌های مهریه حکم نمود.

فقها در میان مسائل مربوط به بیع ضمن بیان شرط مقدورالتسلیم بودن مورد معامله مبانی متعددی را برای این شرایط ذکر کرده‌اند که از هر کدام از این مبانی می‌توان استنباط ویژه‌ای داشت. اما با مراجعه به ماده ۳۴۸ قانون مدنی می‌توان گفت آنچه اهمیت دارد توانائی بایع در تسلیم مبیع است زیرا توان تسلیم وصفی است که به انسان باز می‌گردد و مربوط به مالک مبیع است و نه خود آن و آنچه در ماده ۳۴۸ تأکید شده قدرت بایع بر تسلیم است نه اوصاف مبیع و قابلیت آن برای تسلیم. هرچند در صورت قابل تسلیم نبودن ذاتی مبیع اثر بطلان بر آن هم بار می‌شود. علت این حکم را باید در بی اثر ماندن بیع جست‌وجو نمود، زیرا ناتوانی فروشنده از تسلیم مبیع رسیدن به هدف معامله را ناممکن ساخته و این امر باعث بیهوده ماندن بیع می‌گردد.

همین استدلال را می‌توان در خصوص مهریه هم به کار برد. تسلیم مهریه به زوجه و امکان تصرف وی در آن مهم است. اگر این امکان برای زوجه نباشد، بین اینکه علت عدم امکان تسلیم به مرد بر می‌گردد یا به خود مهریه تفاوتی نیست (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۹۶)

۴- اثر غیر مقدورالتسلیم بودن موضوع معامله

با توجه به آنچه گفته شد و با عنایت به صراحت ماده ۳۴۸ قانون مدنی که عدم امکان تسلیم را سبب بطلان قرارداد می‌داند، می‌توان با وحدت ملاک برآمده از این ماده، در مورد مهریه نیز همین حکم را جاری نمود. با این تفصیل نمی‌توان به صحت مهریه‌های سنگینی که عندالمطالبه بر ذمه ی زوج قرار می‌گیرد حکم نمود، چرا که امکان تسلیم این مهریه با وصف موجود برای زوج وجود ندارد. برخی از فقها چنین مهریه‌هایی را به علت عدم توانائی زوج جدی تلقی نکرده و معتقدند اراده ی واقعی در این خصوص وجود ندارد که معنای آن بطلان توافق بر مهریه است.

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که در بعضی ازدواج‌ها مهریه‌های سنگین در نظر گرفته می‌شود که عندالمطالبه نیز می‌باشد، در حالی که مرد ۵۱۱ هزار تومان هم پول ندارد. ولی برای اینکه ازدواج سر بگیرد مثلاً ۲۰ میلیون تومان مهر پیشنهادی را می‌پذیرد و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد و از اول هم محرز است که در صورت مطالبه قادر به پرداخت چنین مهریه‌ای نخواهد بود. این ازدواج‌ها چه حکمی دارد، فرموده است: "این گونه مهریه‌ها با چنان قرائتی که گفته شد جدی نیست... بنابراین به اجرا گذاشتن آن در صورت عدم قدرت جایز نیست."

مهریه نامتعارف در عملکرد مقنن و رویه قضایی

در این گفتار عملکرد مقنن و رویه قضایی حاکم در قوه قضائیه درباره مهریه نامتعارف بررسی می‌شود. آیا قوه مقننه توانسته است در خصوص مهریه نامتعارف گامی بردارد؟ آیا رویه قضایی حاکم توانسته است درباره مهریه نامتعارف اقداماتی انجام دهد؟



۱- مهریه نامتعارف در عملکرد مقنن

مهریه به دلیل ثبت آن در عقدنامه ضمانت اجرایی دارد و هر مبلغی که ثبت میشود به عنوان مهریه به حساب میآید، اما موضوعی که مطرح است بالابودن مبلغ مهریه است. مهریه فقط در طلاق مطرح نمیشود و طی سال ۱۳۷۶ تبصره‌های به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی اضافه کرده که به این شرح است:

تبصره: چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سدانانه زمدان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین میشود، محاسبه و پرداخت میشود. مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگر تراضی کرده باشند. آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت دادگستری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. (عرفانی، ۱۳۸۷)

شمول تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹ ازدواجهای قبل از این قانون را دربرمی گیرد.

رأی وحدت شماره ۶۴۷-۷۸/۱۰/۲۸ رویه هیئت عمومی دیوان عدالتی کشدور د شدماره ردیف: ۷۸/۲۶ منظور مقنن از تصویب ماده واحده قانون الحاق یک تبصره به ماده ۳۱۷۴ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۷۶ با توجه به عبارات صدر تبصره و فلسفه وضع آن، حفظ ارزش ریالی مهریزوجهه است که معمولاً بر حسب وجه رایج (ریالی) تعیین می شود، اگرچه تاریخ وقوع عقد ازدواج، مربوط به زمان قبل از تصویب تبصره باشد. با این وصف قانون مرقوم (تبصره الحاقی) با ماده ۴ قانون مدنی مابینتی ندارد، لذا به جهات اشدعاری، رأی شدعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قم که با این نظر مطابقت دارد، به اکثریت آرا صحیح و موافق موازین شرع و قانون تشخیص داده میشود. این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سدال ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم الاتباع میباشد. (فاضلی بیارجمندی، ۱۳۸۷)

این تبصره موجب شده است مهریه زنان (در زمان وقوع عقد هر مقچداری که بوده است) در زمانی که آن را مطالبه می کنند، بر حسب روز محاسبه شود و زوج ملزم به پرداخت آن باشد. این تبصره گامی مؤثر در احقاق حقوق زن بوده است، اما قانون گذار برای محدودکردن میزان مهریه مواردی را در ماده ۲۵ لایحه حمایت از خدانواده ۱۳۹۱ مطرح کرده است. در این ماده مقرر شده است که دولت از طریق دستگاه فرهنگی و رسانه ها موظف است برای ترویج فرهنگ ازدواج و رعایت برقراری مهریه متعارف اقدامات لازم را به عمل آورد، اما در عمل شاهدیم در برخی موارد رسانه ها، کمتر در این باره موفق بوده اند. به نظر می رسد لازم است رسانه ها و دستگاه های فرهنگی کشور در ترویج فرهنگ ازدواج آسان و مهریه های سبک حضور پررنگ تری داشته باشند. در این قسمت به بررسی اجمالی ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده اشاره میشود. (صفایی، ۱۳۷۹: ۱۸۹)

۱-۱- مشخص کردن مهریه متعارف از سوی رئیس قوه قضائیه

تبصره یک: رئیس قوه قضائیه در هر سه سال یکبار، با توجه به وضعیت اقتصادی، میزان مهریه متعارف رامشخص میکند، ولی این ابهام مطرح است که ملاک متعارف بودن مهریه زمان تعیین و ثبت آن در سند نکاحیه است یا زمانی که زوجه آن را مطالبه میکند؟ این امر از این نظر اهمیت دارد که ممکن است مهریه در زمان تعیین و ثبت در سند نکاحیه نامتعارف باشد، اما با انقضای مدت ۱۰ یا ۱۵ سال، به تدریج همان مهریه نامتعارف به مهریه متعارف تبدیل شود. در این صورت اگر ملاک نامتعارف بودن مهریه زمان تعیین و ثبت و درج آن در سند ازدواج باشد، زنی که پس از ۱۵ سال از زمان ازدواج مهریه اش را مطالبه میکند و عملاً مهریه متعارف را (در زمان مطالبه آن) در خواست میکند، امکان اعمال مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی و بازداشت شوهر خویش را در صورت استنکاف از پرداخت مهریه ندارد، ولی زن دیگری که مثلاً یک سال قبل از دواج کرده و مهریه اش معادل مهریه زنی است که ۱۵ سال قبل ازدواج کرده، ولی حسب اعلام دولت مهریه اش در



زمان ثبت متعارف بوده است، امکان اعمال مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و بازداشت همسرش را خواهد داشت. این امر در عمل به تعارض و بی حمایتی یکسان قانون از همه زنان متأهل منجر میشود. (طوسی، ۱۴۳۱)

۱-۲- پیشبینی ضمانت اجرایی لازم فقط در مهریه های متعارف

تبصره دو: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد به میزان متعارف باشد، در صورت حال شدن، چنانچه زوج از پرداخت آن امتناع کند، مشمول مقررات ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی خواهد شد. ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی پیش بینی کرده است که مستنکف از پرداخت بدهی قابل بازداشت است. با توجه به این که مهریه بدهی مرد به زن محسوب می شود این امکان برای زنان ایجاد شده که با طرح دعوی مطالبه مهریه و صدور حکم از دادگاه بازداشت مرد را در خواست کنند، اما نکته این است که در این تبصره این حق را از زن گرفته و آن را منوط به مهریه متعارف در وقوع عقد دانسته اند و بر اساس این ماده مقدار مهریه را رئیس دستگاه قضا اعلام می کند. قانون گذار در تعیین مهر المثل مقرر داشته که باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت و در نظر گرفته شود. آیا باید میزان مهریه زنی که دارای موقعیت بالای اجتماعی، اقتصادی، و غیره است با زنی که موقعیت پایین تری دارد، برابر باشد؟ این تبصره با آنچه درباره تعیین مهرالمثل گفته شده، در تعارض است. (محقق حلی، ۱۳۶۸)

۱-۳- لازم الرعایه بودن محاسبه مهریه بر اساس نرخ روز

در تبصره چهار ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی آمده است: مقررات مربوط به محاسبه مهریه و نرخ روز لازم الرعایه است، ولی این تبصره با تبصره های دو و سه این ماده کاملاً در تعارض است. اگر تعیین مهریه به نرخ روز است، دیگر مازاد مهریه متعارف مفهومی ندارد. اگر محاسبه مهریه به نرخ روز باشد و مهریه از حد متعارف بیشتر باشد، آیا می توان گفت مشمول ماده ۲۵ میشود یا خیر؟ این ماده نه تنها نتوانسته است در محدود کردن مهریه نامتعارف گام مؤثری بردارد، بلکه بر ابهامات این مسئله افزوده و با برخی از ماده های قانون مدنی در تعارض است. ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده درباره تضمینی برای وصول مهریه زن سخنی به میان نیاورده است. این ماده صرفاً در خصوص میزان مهریه متعارف توضیح داده است و اینکه مقدار در صورتی که زوج مهریه متعارف را پرداخت نکند، مشمول مقررات ماده ۴ قانون نحوه محکومیت های مالی خواهد شد؛ مسئله ای که به زن در وصول مهریه کمکی نمیکند. با توجه به اینکه در این ماده مهریه متعارف را قانونگذار مشخص میکند، سؤال این است که اگر مرد نتواند همین مقدار مهریه متعارف را پرداخت کند، یا از پرداخت آن امتناع کند، چاره ای اندیشیده شده است؟ باز هم زن مثل گذشته باید به مراجع قضایی مراجعه کند،

روند طولانی دادرسی را طی کند، و این مسئله باری از دستگاه قضا نمی کاهد. بنابراین، به نظر می رسد قانون گذار می تواند با اخذ تضمین مناسب در هنگام وقوع عقد از زوج یا خانواده وی تا حدی از مشکلات بکاهد. اخیراً هم در قانون حمایت خانواده در ماده ۲۲ مصوب ۱۳۹۱ در خصوص میزان مهریه مقرر شده است: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲)

۲- مهریه نامتعارف در عملکرد رویه قضایی

نحوه مطالبه مهریه در صورت نبود تمکن مالی مرد، با توجه به راهکارهای قانونی برای مطالبه مهریه از جانب زن، در قانون پیش بینی و هنگام مطالبه استناد شود. در صورتی که مرد مالی برای توقیف و پرداخت مهریه نداشته و مستمری بگیر نیز

نباشد، زن میتواند به استناد ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ تقاضای باز داشت. یومالادای وی را کند. مطابق دادنامه شماره ۱۹۸۷ در ارتباط با کلاسه پرونده ۷۰۸۲/ت ۱۹۴۲ شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان تهران، در صورتی که زن مطالبه مهر کند و مرد ناتوان از پرداخت مهریه باشد، دادگاه نمیتواند حکم به تقسیط بدهد و مرد را ملزم به پرداخت ماهیانه مقدار معینی کند. صدور حکم به پرداخت مهریه به صورت اقساط قبل از اجرای مقررات مواد ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی فاقد مجوز قانونی است بنابراین، در صورتی که زن تقاضای مهریه کند و مرد مدعی اعسار از پرداخت شود، تا زمان اثبات اعسار در حبس قرار دارد. (ابن منظور، ۱۴۰۸)

در پاسخ به این سؤال که آیا زوجه می‌تواند، به علت ناتوانی زوج از پرداخت یک هزار عدد سکه طلا ابطال شرط پرداخت مهریه را به لحاظ اینکه غیر مقدور است، بنا بر بند یک ماده ۲۳۲ قانون مدنی درخواست کند؟ آمده است:

عدم توانایی پرداخت مهریه ای که موضوع آن سکه طلا است، موجب ابطال شرط پرداخت مهریه نیست و بند یک ماده ۲۳۲ قانون مدنی شامل قضیه نمیشد. بدین ترتیب، معلوم می‌شود که رویه قضایی ایران، در صورت پرداخت نکردن مهریه به صورت یکجا از جانب مرد، حکم تقسیط مهریه را می‌دهد که به صورت ماهیانه به زن پرداخت می‌شود. در برخی موارد مرد برای زیر بار نرفتن پرداخت مهریه با به نام زدن اموال خود به نام دیگران (خودش جرم است)، تقاضای اعسار اعلام میکند که از پرداخت مهریه عاجز است. این رویه نتوانسته است در احقاق حقوق زن در مطالبه مهر به گام موثری بردارد که حکم به تقسیط می‌دهد. حال اگر مهریه مقدارش زیاد باشد، با تقسیط ماهیانه ممکن است سالها به طول بینجامد و در عمل چیزی عاید زن نشود. (فاضلی بیارجمندی، ۱۳۸۷: ۳۱۲)

وضعیت حقوقی تعیین اعضای بدن به عنوان مهریه در حقوق

۱- منفعت عقلایی مشروع

مال موضوع مهریه باید متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد؛ یعنی از نظر عقلا منفعتی برای آن متصور باشد که مورد حمایت قانون است. در خصوص منفعت عقلایی اعضای بدن میتوان گفت امروزه با توجه به پیشرفت علم پزشکی و نیاز افراد بسیار به پیوند اعضاء عضو انسان از منفعت عقلایی بسیاری برخوردار است و در ضمن مغایرتی هم با قانون ندارد؛ زیرا امروزه پیوند اعضا حیات مجددی برای گیرنده عضو و بعضا کیفیت استفاده از آن عضو را به دنبال دارد؛ لذا صرف پیوند عضو دارای منفعت محله است و عقلا هم آن را میپذیرند ولی در خصوص تعیین عضوی از اعضای بدن به عنوان مهریه باید گفت چنانچه زوجه به علت بیماری به پیوند عضو نیاز داشته باشد و پیوند آن عضو هم از نظر سایر شرایط مشکلی برای اهدا کننده به دنبال نداشته باشد، به عنوان مهریه اشکالی ندارد.

همچنین مال موضوع مهریه باید مشروعیت داشته باشد و مورد نهی قانون قرار نگرفته باشد. بنابراین به عنوان مثال نمیتوان مهریه زنی را دو کیلو مواد مخدر قرار داد. اگر انگیزه زوجه از تعیین عضو به عنوان مهریه، چشم و هم چشمی باشد که نیاز شخصی به علت بیماری، به استناد ماده ۹۷۵ قانون مدنی چنین مهریه‌های باطل و بلااثر خواهد بود؛ زیرا به نظر میرسد چنانچه انگیزه زوجه از تعیین عضوی از اعضای بدن نه نیاز شخصی بلکه صرفا چشم و هم چشمی و ... باشد، قرارداد مربوط به تعیین عضوی از اعضای بدن به عنوان مهریه برخلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی است و در نتیجه مشمول حکم مندرج در ماده مذکور خواهد شد.

۲- قابل تملک بودن

مهر باید قابل تملک به وسیله زن باشد (ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی). اعضای بدن انسان قابلیت تملک را دارند؛ لذا از این نظر مشکلی در خصوص تعیین عضو از اعضای بدن به عنوان مهریه ایجاد نمیشود؛ مگر این که به دلیل دیگری تعیین مهریه مذکور باطل و بلااثر باشد.

۳- موجود بودن

زمانی که مهریه عین معین باشد، باید در زمان عقد موجود باشد. اگر معلوم شود که آن عین در زمان عقد موجود نبوده است، تعیین مهر باطل خواهد بود (مستنبط از ماده ۳۶۱ قانون مدنی) مثلاً اگر اتومبیل مشخصی را به عنوان مهر قرار دهند که در حین عقد از بین رفته بوده است. تعیین مهر مذکور باطل و بی اثر است. (صفایی، ۱۳۷۹: ۶۳)

بنابراین اگر عضو از اعضای بدن زوج به عنوان مهریه تعیین شود که زوج فاقد آن عضو است؛ مثلاً کلیه زوج به عنوان مهریه زوجه تعیین شود، ولی زوج فاقد کلیه و دیالیزی باشد و خود در انتظار پیوند عضو به سر برد، مهریه مذکور باطل و بلااثر است.

۴- معین بودن

مال موضوع مهریه باید معین باشد؛ یعنی نمیتوان یکی از دو یا چند چیز را به نحو مردد به عنوان مهریه تعیین کرد؟ در جایی که مهریه به عنوان عضو از اعضای بدن تعیین میشود. اصولاً چون مردد نیست، از این نظر مشکلی ندارد؛ ولی اگر مرده باشد، تردیدی در بطلان آن نیست.

نتیجه گیری

مطابق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی هر چیزی را که مالیت داشته باشد، میتوان مهر قرار داد. بنابراین یکی از شرایط مهریه، مالیت است. در خصوص مالیت یا عدم مالیت اعضای بدن، بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. مهریه از نظر مقدار حد و اندازهای ندارد، بلکه معیار در آن تراضی زن و شوهر است، چه کم باشد، چه زیادی به شرطی که آنقدر کم نباشد که مانند پرکاه. مهریه زیاد از طرفی موجب کم شدن رغبت جوانان به ازدواج شده، و از طرف دیگر مشکلات خانوادگی بسیاری را بوجود آورده است. و در موارد بسیاری حسن معاشرت که طرفین عقد ازدواج موظف به آن هستند (مواد ۱۱۰۳، ۱۱۰۴ قانون مدنی) را از بین برده و آثار نامناسب بسیاری را بوجود آورده که نتیجه مسلم آن اختلال نظام اسلامی است.

موضوع مهریه باید این قابلیت را داشته باشد که از ناحیه کسی به کس دیگر تسلیم شود؛ لذا در صورتی که مهر به مقدور التسليم نباشد، مهریه مذکور باطل و بلااثر است. در خصوص تعیین عضو از اعضای بدن به عنوان مهریه باید قائل به تفکیک شد. برخی از اعضای غیررئیس که جدا کردن آن عضو ضرر منافی را برای فرد به دنبال نداشته باشد را میتوان به عنوان مهریه تعیین کرد.

اعضای بدن انسان دارای مالیت عرفی میباشد و در جای خود ثابت شده است که انتفاع از آنها جهت پیوند از نظر شرعی هم جایز است؛ لذا دارای مالیت شرعی هم هستند. به علاوه اگر در موردی شک کردیم که میعی که از مالیت عرفی برخوردار است، در نزد شارع هم مال محسوب میشود یا نه، تمسک به عمومات و اطلاقات بیع صحیح است زیرا موضوع عمومات مال عرفی است نه شرعی.

تمسک به احادیثی که مهر زیاد را مکروه دانسته اند که می توان گفت در حال حاضر با توجه به آثار مهر زیاد مفاد این دسته از احادیث به تجربه نیز به اثبات رسیده است و وضع موجود مستلزم حرمت مسلم مهریه زیاد در حدی که امروزه متداول شده



است می باشد و دور شدن از مطلوب شارع با عنایت احادیث بسیاری که حکایت از مطلوبیت مهر کم دارد که حمل به استحباب شده است.

زیاد شدن زندانیان بدهکار مهریه، حضور زنان شوهردار جوان خارج از احسان در جامعه، وفور طلاق و زنان مطلقه و اطفال طلاق سرگردان بین پدر و مادر یا متکی به یکی از آنها بدون حضور دیگری، از جمله نتایج نامناسب اجتماعی مهریه های زیاد است که ظاهراً حدو سقفی هم ندارد .

فقه اسلامی برای مهریه سقفی تعیین نکرده است. این عبارات بیان میکند که توافق مهریه بر عهده زوجین نهاده شده است. در روایات هم عموم مؤمنان را از تعیین مهریه های سنگین بر حذر می دارند. فقهای امامیه درباره میزان مهریه نظرهای متفاوتی دارند. برخی مهر السنه را میزان مهریه دانسته و پیش از آن را مجاز نمیشمارند. برخی دیگر با استناد به آیه شریفه قرآن (نساء: ۲۰ بیش از مهرالسنه را صحیح می دانند).

تعیین عضوی از اعضای بدن به عنوان مهریه فی نفسه از نظر مالیت بلاشکال است و از آنجا که اعضای بدن میتواند موضوع نقل انتقال قرار گیرد و یکی از اقسام نقل و انتقال، تعیین آن به عنوان مهریه است، از این نظر فاقد مشکل است؛ اما نقل و انتقال مذکور در قالب مهریه مطلق نیست، بلکه مشروط است . مهریه نامتعارف را نشانه ایی از عدم وجود قصد و اراده طرفین و عدم قدرت بر تسلیم آن بدانیم و با این که به عنوان شرطی نامقدور بدانیم، باید در عرصه عمل به گونه اقدام نماییم که بتوان از وجود این مهریه و تحقق شرایطی نامناسب خودداری نماییم و این امر با تعیین حدودی برای مهریه که بهترین ملاک عرف و شرایطی خاص طرفین است، حاصل می شود.

ماده ۲۵ لایحه حمایت از خانواده درباره تضمینی برای وصول مهریه زن سخنی به میان نیاورده است. این ماده صرفاً در خصوص میزان مهریه متعارف توضیح داده است و اینکه مقدار در صورتی که زوج مهریه متعارف را پرداخت نکند، مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه محکومیت های مالی خواهد شد. بررسی به عمل آمده بیانگر آن است که مهریه های سنگین در نظام حقوقی اسلام جایگاه معنوی ندارد. با استناد به آیات و روایات و قانون مدنی ایران، برای مهریه سقفی تعیین نشده و آن را بر عهده زوجین گذاشته اند، اما روایات ائمه معصومین (ع) و آرای فقها عموم مسلمین را به مهریه های سبک تشویق میکنند. مهریه سنگین در بدو ازدواج مشکلی برای زوجین ایجاد نمی کند، زمانی که اختلافی بین زوجین پیش آید یا زن تقاضای مهریه کند و زوج از عهده پرداخت آن برنیاید، اینجاست که مشکلاتی بروز میکند که دامنگیر خانواده، جامعه ، و دستگاه قضایی میشود.

تعیین عضوی از اعضای بدن به عنوان مهریه در مورد اعضایی که تولید میشوند یا قطع عضو ضرری را برای دهنده آن عضو به دنبال ندارد، در صورتی که زوجه به آن عضو به علت بیماری و ... نیاز داشته باشد، صحیح و معتبر است. تعیین اعضایی که قطع آن، موجب مرگ دهنده یا نقص عضو و ضرر جبران ناپذیر میشود، به عنوان مهریه باطل و بلااثر است. در صورتی که علت انحلال نکاح طلاق باشد و نزدیکی هم صورت گرفته باشد، زن مستحق مهر المسمی با مهرالمثل خواهد بود. اگر طلاق قبل از نزدیکی باشد و تعیین عضو به عنوان مهریه صحیح نباشد، زن مستحق مهر المتعه خواهد بود. اگر یکی از زوجین قبل از نزدیکی فوت کند و تعیین عضو به عنوان مهر باطل بوده باشد، زوجه مستحق هیچگونه مهریه ای نخواهد بود.

منابع

- آریان، شهاب(۱۳۹۶). حقوق مدنی، حقوق خانواده، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- اسدی، لیلا سادات و همکاران(۱۳۹۱). حقوق مالی و اقتصادی خانواده، چاپ اول، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- امامی، سید حسن(۱۳۹۳). حقوق مدنی، جلد ۴، چاپ بیست و دوم، انتشارات اسلامی، تهران.
- بصارتی، داود(۱۳۹۴). بررسی مبانی فقهی و حقوقی مطالبه مهریه، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.

پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۳). قانون حمایت خانواده در پرتو نظرات شورای نگهبان، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، تهران.

شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان .

صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۳۷۹). مختصر حقوق خانواده، تهران: دادگستر.

عرفانی، یلدا (۱۳۸۷). توفیق مهریه در رویه قضایی، تهران: جاودانه.

محقق حلی (۱۳۶۸). ترجمه فارسی شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی، به کوشش محمدتقی دانشپژوه، ج ۲، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۲) تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

هاشم‌نژاد، زهرا و غلام‌پور، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی تعدیل مهریه، فصلنامه علمی- پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، سال دهم، شماره ۴۶ .